

جنگ و انقلاب

جنگ نا جوانمردانه ای که رژیم خیانته پیشه صدام حسین بر کشور و ملت ما تحمیل کرد، با وجود خونهای پاک و جوانی که هر روزه برخاک ریخته می شود و با همه خسارتها بی که برای هر دو طرف بسیار می آورد، از هم اکنون به صورت بهترین محک نیرومندی نظام سیاسی و اجتماعی منبعت از انقلاب اسلامی ایران و قدرت زندگی و دوام آن جلوه گر می شود. شور و تلاش و ابتکاری که در این جنگ در مردم، بویژه در جوانان عزیز ایران، پدید آورده و بیگانگی راده و عملی که به رغم تفاوت درجهان

از ترس مرگبارشان از سرایت انقلاب خلقی و اسلامی ایران ناشی می شود، حماسه درخشان جنگوران ایران که کوچک به کوچک و خا نه به خا نه از خاک میهن دفاع می کنند تردیدی

بیتیها - امر مقدس دفاع از کشور و دستاوردهای انقلاب باعث شده است تنها با آنچه در روزهای پرافتخار انقلاب به چشم دیده ایم قابل قیاس است، جا دارد که دنیا در برابر این همه ایمان و ایثار و این همه انضاط میهنی و انقلابی سر تعظیم فرود آورد.

با وجود همه کمک های نظامی و تسلیحاتی که از سوی امثال سادات وحسین و خالد و دیگر سرسپردگان امپریالیسم آمریکا در منطقه به رژیم جنایتکار عراق صورت می گیرد، و این همه کینه تیزی از سوی آنان پیش از هر چیز

سنگرهای خونین حماسه می آفرینند

جنگ خا نه به خا نه و سنگر به سنگر سراسر منطقه های غرب و جنوب غربی کشور ما را فرا گرفته است.



بعثت عربی عراقی که برای احسرای نقشه های شوم سرکوب گرانه امپریالیسم آمریکا جنگ را به خلق دلاور ما تحمیل کرده اند، با ورندها شنید که در میهن انقلابی ایران کارگران، دهقانان، روشنفکران انقلابی و نوده های ملیسوسی زحمتکشان شهروور و سناستون اساسی جمهوری مینباید ما را تشکیل می دهند و از آن نایای جان دفاع می کنند.

وسوسه های عناصر فراری ضد خلقی و مزدور رژیم شاه ملعون، صدام و اربابان آمریکا بی واریای غربی و راه شیشه انداخته بود، حشمان کور و نزدیک بسن صدام و ترکان بی توانست موج خروشان خلق ما را که از استبداد مشترک شاه - آمریکا رها یافته اند در صحنه بینند و برای همیشه به خود حرات ندهند به حرم صفحه ۲

سخنرانی نماینده جمعیت ایرانی هواداران صلح

در اجلاس پنجشنبه ۳/۷/۵۹

پارلمان جهانی ملت ها برای صلح

خود، به انقلاب اسلامی ایران یک حطت بسیار ریز و منبند ملی و میهنی می بخشد. با این همه، نمایندگان رسمی و منبند رسمی قدرت اسلامی پیش از هر چیز بر خلوص و تنبیه عقیدتی اسلام تکیه می کنند و اسلام را یک مجموعه واحد، یک "امت" می شمارند که از سواحل اقیانوس اطلس تا چین و خاور دور ادامه دارد. در هر حال، مردم ایران بی آن که به هیچ روسی گانه ستیزا شد، مسئله انقلاب را در بیان میهنی آن درک می کنند و واکنش هایی هماهنگ با آن دارند. ملتی که طی نزدیک به دو قرن سلطه قدرت های با ختر زیر فشار رستم بوده و غارت شده است، ملتی که اعتقادات و آداب و رسومش به ریشخند گرفته شده و دیده است که چگونه جهش فرهنگ بسیار رغنی اش در برابر هجوم تمدن بازاری اروپایی و آمریکا بی دردم شکسته است، در بی آن است که به برکت انقلابی که صورت داده است به شخصیت خاصی خود تحقق بخشد و سرانجام - والیناه از سر استحقاق - صاحب اختیار خا نه خود شناخته شود. اما این چیزی نیست که به مذاق ایالات متحده آمریکا و متحدانش در اروپای غربی و ژاپن و کانادا و دیگر کشورهای اردوگاه امپریالیستی خوش بنشیند، آنچه اینان می خواهند آن است که اگر هم با زکشت رژیم شاهنشاهی، به علت آن که هرگونه پایگاه

آقای رئیس
اعضای محترم هیئت رئیسه
دوستان عزیز

بی ترس چندان آن که به مخالف گویی منسوب شوم، به خود اجازه می دهم تا بیدکنم که در حال حاضر، اگر افکار عمومی جهان از وضعیت اوضاع ناخیر نشود و به موقع برای پیشگیری مصیبتی که تکوین می یابد تسخیر نگردد، ایران به درستی نقطه ای خواهد بود که از آن ممکن است حرقه جنگی در ابعاد منطقه، با انعکاسات و اثراتی در سراسر جهان، درگیرد.

ولی ابتدا بسینیم مطلب چیست.
انقلاب ایران که در حرکت پیروز مندانهاش رژیم خونخوار شاه را جا رو کرده و به سلطه آمریکا پایان داد. در نتیجه، شرکت بسیار وسیع توده ها صورت گرفت، میلیونها و میلیونها مردم که بویژه به قشرهای زحمتکش اهالی تعلق داشتند با عزمی را سخته صحنه مبارزه صدامپریالیستی در آمدند و با کوشش بی دریغ و ایثار رسا و تمندانها خون خود بر آن شدند تا آزادیهای مدنی را به دست آورند و استقلال کشور را تا مین کنند، خود این امر، به اضافه رهبری سیاسی روحانیت شیعه، و پیش از همه امام خمینی با شخصیت استثنایی

غیر سرمایه داری و منتقدان آن

در حال حاضر مطبوعات بورژوازی بی لیه تیز حملات خود را منوجه کشورها بی کرده اند که در آنها هنوز سرما به داری شیوه مسلط تولید نیست و این کشورها از فردای کسب استقلال یا پس از مدت معینی راه رشد سرمایه داری را کنار نهاده و به جای آن سمت گیری سوسیا لیستی را اختیار کرده اند. کشورهای مورد بحث که به کشورهای دارای گزینش سوسیا لیستی یا غیر سرما یه داری موسوم اند، در لحظه سوسیا لیست نیستند، آنها با نفی سرما یه داری به عنوان سیستم اجتماعی به املاحات اقتصاد دی و اجتماعی بنیادی دست بازیده و بدین سان گذار خود را به سوسیا لیسم تسریع می کنند.

این پدیده به موهبت انقلاب کمپرسوسیا لیستی اکتبر ۱۹۱۷ در روسیه پس از فراهم آمدن شق مخالف رشد سرما به داری مکان پذیر شده است. لنین نخستین کسی بود که از لحاظ تئوریک احتمال رشد غیر سرما یه داری را پیش بینی و ثابت نمود، او در سخنرانی ژوئیه ۱۹۲۰ در دومین کنگره انترناسیونال کمونیستی این مساله را بدین سان فرمول بندی نمود: "آیا می توانیم این رایک تا بید درست بدانیم که مرحله رشد اقتما دسرما یه داری برای خلق های عقب - مانده که اکنون در راه رهایی قرار دارند و پیش از جنگ جنبش به سوی پیشرفت در میان شان دیده می شود، امر تسریع می کند." صفحه ۶

مصر سادات خائن مرکز ثقل توطئه های امپریالیستی بر ضد انقلاب ایران

و جنبش های رهایی بخش در منطقه است

انجام می گیرد که به گزارش یونان بتدبیرس "یک اسکا دران شامل ۱۲ جنگنده فانتوم اف - ۱۴ آمریکا بی روز جمعه (۵۹/۷/۱۱) بعد از پایان یافتن سه ماهه تمرین های مشترک با یگان هوایی به جورجیا بازگشتند." سرهنگ دوم "والاس" در مورد این تمرینات که به نام عملیات "فانتوم مغرور" صفحه ۵

که رهبران انقلاب خلقی ایران را مخالف دسایس و توطئه های امپریالیسم در منطقه می بیند و از عاقبت کار تسلیم طلبانه و خیانت آمیزش سخت بیمناک است در همان مصاحبه اعلام می دارد: "به کار گرفته ام که می توانم از مصر برای دفاع از عربستان سعودی استفاده کند." این اظهارات خائنانه درست زمانی

سادات خائن که با ساخت و پاخت کثیف خود با آمریکا و اسرائیل و امضای قرارداد تنگین کمپ دیوید خیانته عظیم خود را به آرمان های خلق عرب نشان داد. در یک مصاحبه مطبوعاتی در ۵۹/۷/۱۱ با وقاحت و کینه توزی نسبت به انقلاب ایران اظهار داشت: "روی کار بودن هر کسی در ایران بهتر از بیت الله خمینی است." او

خلق کامبوج در راه محو آثار رژیم مائوئیست پل پوت

صفحه ۵

شورای

همیاری اقتصادی کشورهای در راه رشد

صفحه ۴

بقیه: سخنرانی نماینده جمعیت

اجتماعی و هرگونه علت وجودی خود را از دست داده است ، دیگر امکان پذیر نیست ، دست کم در ایران ، به شکلی از اشکال دولتی مرکب از عناصر بورژوازی سازشکار بر سر کار آید که در عین حفظ ظاهر اسلامی نهاد های برخاسته از انقلاب ، در ازای سهمی که برای شان منظور شود ، دست درندگان امیر - یالیست را در استعمار زوده ها و غارت ثروت های کشور با ز گذارد ، با سیاست ضد دموکراتیک و امپریالیستی ایالات متحد آمریکا و متحدانش همراهی کند و به اجرای نقشه های تجا و ز - کارانه و باطلیانه آن ، بویژه بر ضد همسایه بزرگ ما اتحاد شوروی ، کمک رساند .

این است هسته اصلی آنچه ایالات متحد آمریکا و کشور های سرمایه انحصاری می خواهند ، کینه مرگبارشان نسبت به انقلاب ایران نیز ، که با الفای قراردادهای تعاد نظا میحمیلی از سوی امپریالیست ها برای ایران آن را از پایگاه های مقدمی که در ایران ایجاد کرده بودند و از سودها چندین میلیارد دلاری که ازین کشور به دست می آوردند محروم ساخت ، از همین جانشی می شود ، از این زاویه اگر نگریسته شود ، مسئله به اصطلاح دیپلماتیک آمریکا که چندین ماه است به آنها مجاسوسی و عملیات خرابکارانه بر ضد امنیت ایران دربار داشت به سر می برند ، تنها به صورت یک بهانه تبلیغی می کند ، دولت ایالات متحد آمریکا نه چندان در غم جان اتیاج خود بلکه نگران پازیس گرفتن مواضعی با اهمیت استثنائی است که در ایران در اختیار داشت ، وهم اکنون که مجلس شورای اسلامی بررسی مسئله گروگانهای کذابی را آغاز کرده است و می بینیم که نمایندگان کنگره و آقایان موند ماسکی وزیر خارجه آمریکا همراه کسانی دیگر ، با شخصیتی نه بدین سان برجسته در تنگ پو هستند تا با نامه ها و سفارش های "خیر خواهانه شان" هر چه زود تر بیایان قابل قبولی به این مسئله ناخوشایند داده شود و بتوان - به گفته این آقایان - روابط به اصطلاح دوستی و همکاری را به سود متقابل دو کشور از سر گرفت ، تدارکات برای هجوم به ایران یا ایراد ضربه ای به مراتب شدید تر و وسیع تر از حمله هوایی ماه اردیبهشت و تحا و زبه حاکمیت ملی و تمامیت ارضی ایران با کوششی تب آلود در پایگاه های آمریکا بی اقیانوس هند و خلیج فارس و همچنین در خاک مصر و اسرائیل جریان دارد ، دلایلی در دست است که این بار کار به همین محدود نخواهد ماند ، ایالات متحد آمریکا ، بویژه با کمک انگلستان که بخشی از شبکه عمال محلی خود را حفظ کرده است ، برای تشویق گرایش های حدا بی طلبانه در مناطق مرزی جنوب و غرب ایران ، یعنی در بلوچستان و خوزستان و کردستان و نیردرمیان عشایر فارس تشبثاتی خواهد کرد و خواهد کوشید تا همه نیروهای مرتجع و ضد انقلابی کشور را برای او ارد کردن ضربه ای قاطع و همزمان بر انقلاب خلقی و ضد امپریالیستی و بر جمهوری اسلامی ایران سیخ کند ، وقتی هم که حملات عمومی در طول مرزهای ایران و عراق را که در آن بمباران های هوایی و تلیک توپخانه هر روزه صورت می گیرد در نظر آریم ، وضع را با زیر نگرش تر و خطرناکتر می بینیم ، و این بی شک در جهت خلاف منافع حیاتی دو ملت و تنها به سود دشمنان صلح و بیشتر یعنی امپریالیست های آمریکا بی و هم دشمنان صهیونیست آنان می باشد . در

مرزهای ایران و افغانستان ، با یدگفت که وضعی کم و بیش تمام یا بدگمانی حکم فرماست و این بسیار مایه تا سفاست هیچ چیز نمی یابد ملت های ایران و افغانستان را از هم جدا کند ، هیچ چیز نمی یابد دو انقلاب ایران و افغانستان را رودر روی یکدیگر قرار دهد ، این دو انقلاب به یک اندازه دارای عظمت خلقی هستند و هدفهای یکسانی را برای رها بی قشرهای محروم ملت های خویش اختیار کرده اند و برای حفظ استقلال ملی و تمامیت ارضی خود در برابر توطئه های امپریالیست های آمریکا بی و دیگران منافع شان یکی است .

شرحی که در بیان آمد ، بدون تا ره به یک عامل بنیادی در تنگامیل درونی انقلاب ایران ، یعنی پویایی این انقلاب که به رستی از روی آوردن توده های زحمتکش به مبارزه انقلابی ضد امپریالیستی ناشی می شود ، نمی تواند کار کند ، همین عامل است که موجب می شود تا اصولیت خلقی انقلاب اسلامی پیش از پیش تقویت یا بد ، اسلام به مناسبت قدرت دولتی ، بی آن که صریحاً بدان معترف باشد ، تا تیر عمده واقعیات اقتصادی و اجتماعی راه روز به بیشتر احساس می کند ، و از هم اکنون می توان گرایش تدریجی از مفهوم رسمی وحدت کافه مومنان زیر پرچم مقدس اسلام به مفهوم تقسیم خود "امت" به گروه های استثماریکننده و استثماریشونده را شاهد بود ، البته این امر بدون بحث های جدی و بدون موضع گیری های متفاد در مجلس شورای اسلامی و در دولت و همچنین در خطبه های نماز جمعه و در رسانه های گروهی نمی گذرد .

پرواضح است که این همه بحث های انتزاعی نیست ، سر سر زندگی سیاسی و اقتصادی کشور آن مناسبت است همه به انتظار درگیری نتیجه نبردی هستند که بر سر مالکیت خصوصی و ابتکار آزاد سرمایه داری تدارک دیده می شود ، به عبارت دیگر ، مسئله بر سر آن است که دانسته شود آیا بهره کبی سرمایه از نیروی کار برقرار خواهد ماند ، یا محدود و یا بکلی ملغی خواهد گشت ، این همان مبارزه طبقاتی است که در سطح سیاسی و قانون اساسی درگیر می شود ، و با زیر سر همین مسئله است که احتمال وقوع شکاف در داخل گروه بندی اسلامی قدرت می رود ، و این به نوبه خود موجب آن خواهد شد که سرانجام حد و مرز قطعی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و شبکه دوستی ها و اتحاد های آن شکل بگیرد ، اما از آنجا که اکثریت نیرومند مجلس شورای اسلامی از منشی صولتی خلقی زیر لای اسلام پیروی می کند ، مسئله هم در سطح داخلی و هم در سطح خارجی از اهمیت عملی بزرگی برخوردار می شود ، بدین معنی که سازش - ناپذیری مجلس و در نتیجه دولت جمهوری اسلامی ایران ، در مسئله "گروگانها" و رادیکالیسم اقتصادی و اجتماعی آن می تواند دشمنان انقلاب ایران را - در داخل و خارج - وادار بدان کند که شتاب ورزند و آنچه در شان دارند برای او آنگوسی جمهوری و ازین بردن دستا وردهای انقلاب در عمل آرند . بدین سان یک رشته عوامل داخلی و خارجی در جهت آن عمل می کنند که شرایط مقدماتی برای درگیری نهائی نیروهای متضاد در ایران به وجود آورند ، به تدریج که انقلاب ایران عمیق تر می شود و خلعت طبقاتی تکامل آن با دورنمای برتری نیروهای رنج و کار در رصحنه سیاست مشخص می گردد ، و سوسه راه بستن بر آن پیش از آن که دیگر کار از کار بگذرد ، بیشتر قوت می گیرد ، از این رومی توان وقوع تشبثات زه ای را برای دست زدن به کودتا در ایران انتظار داشت ، - کودتایی که گردانندگان آن سعی خواهند کرد تا

از جنبه مادی و روانشناسی بهتر از آن دیگری که سه ماه پیش به چنان شکل رسوایی شکست خورد ترمیم داده شود ، این کودتا در رابطه با خارج و با رهبری و اما ندگان و مزدور رژیم سرنگون شده پیشین صورت خواهد گرفت و از حمایت لندن و پاریس به همان اندازه بهره مند خواهد بود که از کمک واشنگتن ، و به احتمال بسیار با عملیات نظا می - خدمت انقلابی در غرب و جنوب کشور مقارن خواهد افتاد تا بخش عمده نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران بدان سو کشانده شوند و نقاطی در داخل که دارای اهمیت حیاتی هستند بی - حفاظ بمانند ، گرچه ، با توجه به حوادث روزهای اخیر ، می توان یک سناریوی معکوس را نیز در نظر آورد

ولی در همه این زویندها یک عامل قاطع به فراموشی سپرده می شود ، - عاملی که به رغم خونبایی که می باید نشان کرد ، حرف آخربا اوست ، و آن اکثریت بسیار بزرگ زحمتکش در شهرها و روستا های ایران می باشد ، خیزش توده ها که بی شک به صورت مسلحانه و مصمم به با بداری تا کسب پیروزی خواهد بود ، همچون مخمر انقلاب در مردم مستعدیده و استثماری شده ، خاور نزدیک و میانان اثر خواهد گذاشت و به نیروهای خلقی و مترقی جهانی است که تمامی نفوذ خود را به کار گیرند و آنچه در شان دارند در عمل آرند تا سیر شتاب - آلود جنگ در مرزهای عراق و ایران متوقف شود ، این مخاصمات که از هم اکنون ضایعات سنگینی از هر دو سو به بار آورده است تنها به سود امپریالیست های آمریکا بی است که در پایگاه های نظامی خود در خلیج فارس و اقیانوس هند بزرگو کرده اند و تا ماه اند تا پس از آن که دو طرف متخاصم به اندازه کافی بر یکدیگر ضرر زده و یکدیگر را تضعیف کردند به طوری که دیگر نتوانند مانع استقرار رژیم های ضد خلقی در کشورهای خود شوند در آنجا دخالت کنند ، در این صورت آمریکا تنها ثروتهای نفتی مجموعه کشورهای خلیج فارس بلکه قلمرو ارضی شان را نیز که دارای اهمیت استراتژیکی عظیمی است مستقیماً در جنگ خواهد گرفت ، اما این گونه بر هم خوردن موازنه نیروها امری است بسیار خطرناک ، و نه اتحاد شوروی و کشورهای اردوگما سوسیالیستی بدان رضا خواهند داد ، نه هند و نه دیگر کشورهای غیر متعهد ، ازین رو خطر جنگ عمومی را باید به صراحت در نظر گرفت .

وقت آن است که افکار عمومی جهان به صورتی قاطع بر این نکته آگاه می یابد که سر نوشت انقلاب ایران عمیقاً با سر نوشت صلح در آسیا و سراسر جهان گره خورده است ، با نجات انقلاب اسلامی ، انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی ایران در نجات صلح بگوشیم ! زنده باد صلح و آزادی و عدالت ، - خواه در کره که در آن ملتی ثابت قدم برای تحدید وحدت خود از طریق فرا خوانده شدن سپاهیان آمریکا بی می کوشد ، خواه در ویتنام و کامبوجیا دو کشور با قهرمانی های بزرگ ، یا در افغانستان ، کشور جوانی که در قلب هر ایرانی عزیز است ، یا در خود ایران ، این کانون فروزان انقلاب اسلامی ، یا در عراق که ملت آن به قلب ما نزدیک است ، یا در فلسطین ، این تجسم غرور و پایداری و شجاعت زخواه در کوبا و در نیکاراگوا ، در بولیوی ، هندیورا و السالوادور ، یا در شیلی و در هر جای دیگر ازنده باد صلح در سراسر جهان !

بقیه: سنگرهای خونین حماسه

خلقیه با خاسته و مصمم به مبارزه با امپریالیسم خونخوار آمریکا و عروسکهای دست نشانده اش بنا زد .

صدام که مانده همه جنابتکاران تاریخ تا هنگامی که بر آریکه قدرت نشسته اند و با دستین دارند ، آرموده را صدبار دیگر می آزمایند ، با یورش مسلحانه به ایران انقلابی خواسته است خلق ما را بیا زما یبد .

اما این ابولهل و ظلم و استبداد و استعمار عراق به زنجیر کشیده زود در یافت که هر وجب از خاک ایران سنگر مقاومت و پایداری خلق ، این حماسه آفرینان والای تاریخ است .

صحنه های خونین دلآوری های بی باکانه جوانان ، پاسداران ، سربازان که از سلاله زحمتکشان شهرها و روستاها ایران اند ، به حاکمان جلاد بغداد آموختند که جنگ تحمیلی منحصر به دوا رتش نیست .

در این نبرد از یک سو صدامیان خاش و سرنیزه های حافظ او و از سوی دیگر همه خلق قهرمان ایران صف آرائی کرده اند .

سرنیزه داران عراقی که به حکم جبار و اطاعت کورکورانه به برادر کشی کشانده شده اند ، در راه حفظ مطامع استعمارگران صدامی و امپریالیسم جهانی می جنگند .

جنگ ایران جنگی عادلانه است ، در ایران انقلابی که صلح در خوی و خلعت مردم ریشه های تاریخی دارد ، همه می دانند که برای چه ناگزیرند بجنگند .

مردم ما بی رضد بیدارگری و امپریالیسم جها نخوار ، به



خانه زحمتکشان آماج بمباران صدامی

خاطر ملحق عادلانه و برای دهنه زدن به جنگ افروزان حرفه ای می جنگند ، این جنگ به خاطر با روری لاله های سرخ زندگی از خون جوانان پاک باخته ما در پهنه میهنی آزاد ، مستقل و ضد امپریالیسم است .

غنچه های نودمیده گلزار زحمتکشان ایران - جوانان ما - که در آستانه شگفتن سپیده دمان زندگی هستند ، برای

دمیدن جوانی در کالبد وطن کهنسال ما و ساختن فیردای نغمه برای خندان به دست گرا زهای وحشی صدام پیر بر می شویند از خانه ها ، کوچه ها ، خیابان ها و سنگرها و از هر ذره از خاک ما خون می چکد .

صدام و امپریالیسم در کنامیای های مرگبار تر سر سراسیمه از این همه پهلوانیها ، سلحشوریها ، رزم و شهادت - ها طعمه های تشبث شان را کوران به روی کودکان ، پسران ، دختران ، بیما رستان ها و خانه های کلین زحمتکشان ما فرومی ریزند .

گفتارهای بعضی عراق ازبوی خون مست می شوند و از این رو ، بیرو جوان ، زن و کودک و شیرخوارگان را هدف گویله - های خود ساخته اند .

روزگای ژنرال آمریکایی ریجوی در جنگ کره گفت بود : "چشمان پیر من از دیدن اجساد زنان و مردان کره ای نور می گیرد"

اکنون پس از ۳۰ سال چشمان دژخیم صدام و بیگین به تقلید از ژنرال قصاب آمریکا بی از اجساد زنان و مردان ضد - امپریالیسم ایران و فلسطین نور می گیرد .

لیکن مکتب خلق مکتب دودوتا ست . بوزه فاشیسم خونخوار و امپریالیسم جهانی در تبرد لنینیگراد و استالینگراد ، در کره ، الجزایر ، ویتنام ، کوبا و آنگولابه خاک مالیده شد ، در ایران و فلسطین هم به خاک مالیده خواهد شد .



سیاست نفتی انحصارات امریکا انگیزه اساسی فتنه انگیزی های نظامی امپریالیسم آمریکا در خاور نزدیک است

(قسمت دوم)

اوپک و انحصارات نفتی آمریکا

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

ایراد چنین اتهاماتی به کشورهای تولیدکننده نفت هیچ اساس واقعی ندارد و چیزی جز یک تهمت محض نیست. ایالات متحده، خیلی پیش از ترقی قیمت‌های جهانی نفت، آغاز ۱۹۷۴، سیاست کاهش تولید ملی سوخت مایع را تصویب کرد. و در این مدت از نفت ارزان قیمت وارداتی بطور اساسی از نفت خاور نزدیک سوجدست این امر به انحصارات آمریکا امکان داد که به موهبت کاهش هزینه‌های مربوط به تهیه انرژی سودهای فسانه‌ای کلان‌سایه دست آورند. پیش از سالهای ۷۰، تولید یک بشکه نفت خاور نزدیک برای کمپانی‌های نفتی آمریکا ۸ سنت تمام می‌شد و آنها آنرا در بازار سرمایه‌داری جهانی تقریباً ۱۵ بار گرانتر می‌فروختند. انحصارات هیچ‌در اندیشه استفاده از گاز که همراه نفت خارج می‌شود نیستند. بدین ترتیب مواد اولیه گران‌بایی در قضا تلف یا سوزانده می‌شود. ائتلاف بربرمنشانه منابع طبیعی کشورهای عرب تولیدکننده نفت که خسارات فراوانی به آنها وارد می‌کند، سر به میلیاردها دلار می‌زند.

بهای بنزین و سایر محصولات نفتی دوتا سه برابر بر بیشتر از سالهای آنها در اروپا با ختری ایالات متحده است. از این رو، کمپانی‌های آمریکا می‌کوشند تا آنجا که ممکن است محصولات کامل نفتی را مخصوصاً از راه کاهش تحویل آن به بازار داخلی ایالات متحده، در بازارهای خارج به فروش رسانند. طبق رزیا بی‌رسمی که سال گذشته در ایالات متحده به عمل آمد، معلوم شد که کمبود شدید بنزین در کشور نتیجه فعالیت کمپانی‌های بیس المللی بوده است. انحصارات با محدود کردن عمدی تحویل نفت خام به کارخانه‌های ایالات متحده، نفت فراوانی که از خاور نزدیک خریداری کرده بودند، در بازارهای کشورهای اروپای غربی به فروش رسانند.

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

موضع‌گیری واحد کشورهای عضو اوپک در برابر برسیاست امپریالیستی تاراج مواد اولیه و به موهبت آن برقراری قیمت عادلانه تر نسبت محافل رهبری آمریکا را سخت‌نگران کرده است. با این همه، علی‌رغم هشداری تبلیغاتی بورژوازی، چیزی از جیب کمپانی‌های نفت آمریکا خرج نشده است. زیرا سودهای آنها حتی پس از تصمیم کشورهای عضو اوپک همچنان روبه افزایش است. سال گذشته آنها در کسب سود بهترین رکورد پس از جنگ را برقرار کردند. چنان که در مقایسه با سال پیش سودهای کمپانی‌های بسیار معروفی چون اکسون ۵۵٪، گلف اویل ۶۸٪، موبیل اویل ۷۸٪ افزایش یافت. کمپانی‌های تکزاکووا ستانندارد اویل کمپانی‌ها و هیوبه ترتیب ۱۰۰٪ و ۱۶۳٪ بر سودهای خود افزودند. سودهای پنج کمپانی بسیار بزرگ نفتی آمریکا معروف به گروه "هفت خواهران" در سال ۱۹۷۹ تقریباً ۷۰٪ افزایش یافته است. سودهای مالیانه اکسون به تنهایی بالغ بر ۴ میلیارد دلار است.

موضع‌گیری واحد کشورهای عضو اوپک در برابر برسیاست امپریالیستی تاراج مواد اولیه و به موهبت آن برقراری قیمت عادلانه تر نسبت محافل رهبری آمریکا را سخت‌نگران کرده است. با این همه، علی‌رغم هشداری تبلیغاتی بورژوازی، چیزی از جیب کمپانی‌های نفت آمریکا خرج نشده است. زیرا سودهای آنها حتی پس از تصمیم کشورهای عضو اوپک همچنان روبه افزایش است. سال گذشته آنها در کسب سود بهترین رکورد پس از جنگ را برقرار کردند. چنان که در مقایسه با سال پیش سودهای کمپانی‌های بسیار معروفی چون اکسون ۵۵٪، گلف اویل ۶۸٪، موبیل اویل ۷۸٪ افزایش یافت. کمپانی‌های تکزاکووا ستانندارد اویل کمپانی‌ها و هیوبه ترتیب ۱۰۰٪ و ۱۶۳٪ بر سودهای خود افزودند. سودهای پنج کمپانی بسیار بزرگ نفتی آمریکا معروف به گروه "هفت خواهران" در سال ۱۹۷۹ تقریباً ۷۰٪ افزایش یافته است. سودهای مالیانه اکسون به تنهایی بالغ بر ۴ میلیارد دلار است.

موضع‌گیری واحد کشورهای عضو اوپک در برابر برسیاست امپریالیستی تاراج مواد اولیه و به موهبت آن برقراری قیمت عادلانه تر نسبت محافل رهبری آمریکا را سخت‌نگران کرده است. با این همه، علی‌رغم هشداری تبلیغاتی بورژوازی، چیزی از جیب کمپانی‌های نفت آمریکا خرج نشده است. زیرا سودهای آنها حتی پس از تصمیم کشورهای عضو اوپک همچنان روبه افزایش است. سال گذشته آنها در کسب سود بهترین رکورد پس از جنگ را برقرار کردند. چنان که در مقایسه با سال پیش سودهای کمپانی‌های بسیار معروفی چون اکسون ۵۵٪، گلف اویل ۶۸٪، موبیل اویل ۷۸٪ افزایش یافت. کمپانی‌های تکزاکووا ستانندارد اویل کمپانی‌ها و هیوبه ترتیب ۱۰۰٪ و ۱۶۳٪ بر سودهای خود افزودند. سودهای پنج کمپانی بسیار بزرگ نفتی آمریکا معروف به گروه "هفت خواهران" در سال ۱۹۷۹ تقریباً ۷۰٪ افزایش یافته است. سودهای مالیانه اکسون به تنهایی بالغ بر ۴ میلیارد دلار است.

از گزارشات انحصارات چنین بر می‌آید که آنها مانند گذشته بخش اعظم سود - هایشان را از راه تاراج "طلای سیاه" کشورهای خارج به دست می‌آورند. قلمرو حمل و نقل، به لایش و فروش نفت به کشورهای در راه رشد همیشه - حتی پس از ملی شدن صنعت نفت در کشورهای متعدد خاور نزدیک - (تا دوسوم) در کنترل انحصارات بین المللی باقی می‌ماند. دبیرکل سازمان اوپک تاکید می‌کند که فقدان شدید ظرفیت

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

دلار محروم می‌سازد. این قبیل ضررها می‌تواند تنها در سال ۱۹۷۷ تا به ارزش بی‌شمار کشور - های عضو اوپک ۱۴ میلیارد دلار برود. در این شرایط ملاحظه می‌شود که در کشورهای تولیدکننده نفت گرایش به روی گرداندن از بول آمریکا به عنوان واحد محاسبه تنظیم معاملات نفت فزونی می‌یابد. طبیعی است که این نوع حسابات در مقابل رهبری ایالات متحده که با ستاف از بول آمریکا مخصوصاً در تنظیم معاملات نفت توجه زیادی دارند، تشویش‌ناگیزان - های را برانگیخته است. زیرا به موهبت این سیستم انحصارات آمریکا نه تنها بدون مانع ثروت‌ها و ثمره کار دیگران را غصب می‌کنند، بلکه این سیاست به آنها در حفظ دلار به عنوان واحد محاسبه اصلی در سیستم پولی سرمایه‌داری کمک می‌کند. نیویورک تا یزد در تابستان سال گذشته به درستی نوشت که: "فروفتادن ارزش دلار بسیار مفید است، زیرا این کار بطور خودکار قدرت رقابت کالاهای آمریکا بی رادربا بازارهای جهانی تقویت می‌کند".

درجهت معینی، موقعیت کنونی در بازار سرمایه‌داری جهانی متضاد جلوه می‌کند. در حقیقت در کشورهای غربی صرف‌کننده نفت، در جای نخست در ایالات متحده، تقاضا نسبت به "طلای سیاه" افزایش می‌یابد. در صورتی که کشورهای تولیدکننده نفت کوشش می‌کنند تولید نفت را با بین بیاورند تا منابع طبیعی ملی‌شان برای تامین رشد اقتصادی محفوظ بماند. و نژوئلا، ایران، لیبی، کویت و غیره از این سیاست پیروی می‌کنند و اشکن از وقوع هر نوع تحول در سیاست نفتی عربستان سعودی تقریباً یک چهارم نفت وارداتی این کشور را تامین می‌کند. سخت‌نگران است. به نوشته مطبوعات آمریکا دستگاه‌های اداری کارگزارانش زیاد برای متقاعد کردن دولت سعودی به عمل می‌آورد که در سال جاری تولید نفتش را کاهش ندهد.

"مجازات" ایران توسط واشنگتن - محاصره اقتصادی و ضبط دارایی‌های ایران در بانک‌های آمریکا - در روابط ایالات متحده با سایر کشورهای تولیدکننده نفت در جای نخست اعضای اوپک به شدت اثر گذاشته است. این کشورها به درستی نسبت به ثبات روابط با زرگان و اقتصاد خود با ایالات متحده دچار شک و تردید شده‌اند. تصمیمات یک جانبه ایالات متحده در باره ایران، ناکامی فعالیت‌های براندازی وی علیه ایران، به روشنی نشان می‌دهد که آمریکا استفاد از همه وسایل را برای دفاع از منافع استعمار - یش محازمی‌اند. پنتاگون در یکی از طرحهای در رابطه با بحران کنونی مناسبات آمریکا و ایران تا بیدار نشده است که ایالات متحده "با ید با سلاح هسته‌ای تا کتیکی دست به تهدید بزند تا حتی به طور جدی آن را بکار نبرند".

محافل رهبری ایالات متحده که استفاد وسیع‌تر از منابع خاص انرژی خود - مخصوصاً نفت - را نمی‌کنند و آن را برای هدف‌های استراتژیک ضروری خود ذخیره کرده‌اند، انقلاب ضد امپریالیستی اسلامی ایران را ممل هدف‌های تاراجگرانه خود در این منطقه می‌دانند. آنها با تکیه بر "موقع قدرت" می‌کوشند ثروت‌های زیرزمینی کشورهای در راه رشد را همچنان در کنترل خود داشته باشند. و بدین منظور با نهضت‌های رهبری بخش ملی و ضد امپریالیستی در کشورهای در راه رشد، مخصوصاً در کشور - های تولیدکننده نفت به مقابله برخاسته و برای برقراری دیکتاتوری سیاسی و اقتصادی چاره را توسل به زور می‌دانند.

سیاست پرده‌پوشی و سرانه‌های آمریکا با بهره‌برداری از ترس و وحشت آمریکا بی‌دای‌عادی نسبت به مشکلات فزاینده انرژی می‌کوشند با رستگین مسئولیت این مصائب و بسیاری از مشکلات دیگر کشورشان را متوجه کشورهای عضو اوپک سازند. س.ا.پزنشست دریا دداشتی که در تابستان ۱۹۷۹ بعنوان مشورت در مسائل داخلی برای پرزیدنت کار رهنه‌بده کرد، سپس توسط مطبوعات فاش شد، به روشنی ثابت می‌کند که این کارزار تبلیغاتی مستقیماً از کاخ سفید الهام می‌گیرد. این سند توصیه می‌کند که تمام مسئولیت تشدید کنونی مشکلات انرژی و اقتصاد ایالات متحده با بد متوجه کشور-های عضو اوپک گردد و آشکارا می‌طلبند که "اوپک به عنوان عامل تورم و مصائب انرژی معرفی شود" و سراسر کشور به مبارزه علیه "این دشمن واقعی" بسیج گردد.

بقیه: شورای همیاری اقتصادی و کشورهای در راه رشد

کشورهای جامعه، سوسیالیستی پستیبان جدی خلقهایی هستند که پیوسته استعمار را پاره کرده، در راه تحکیم استقلال سیاسی و اقتصادی خود فعالیت میکنند و به خاطر در اختیار گرفتن ثروت های ملی خود در راه های قطعی زیندا استثمار سرمایه داری تلاش میورزند.

بخش دولتی مقدم بر همه

برای خلق هایی که می خواهند در مدت کوتاه روی پای خود ایستاده، صنعت خاص خود را تالوده ریزی کنند و عقب ماندگی اقتصادی شان را که محصول سلطه قدرت های امپریالیستی است، جبران نمایند، رشد متناوب بخش دولتی اقتصادا اهمیت اساسی دارد. آنها برای اجرای این وظیفه در خای نخست از برای کشورهای عضو همکاری اقتصادی سود میجویند که روابط شان با دولت های جوان آسیا، آفریقا و آمریکای لاتین بر اساس تقسیم کاری بین المللی ثابت و متقابل سودمند استوار است.

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی در آغاز ۱۹۶۲ به ۳۴ کشور در راه رشد کمک اقتصادی و فنی میگردند. امروز ایس تعداد به ۸۶ کشور رسیده است. تنها در ۱۹۷۸ بیش از ۲۴۰ قرارداد جدید با کشورهای مورد بحث منعقد شده است. حجم کمک کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به کشور های در راه رشد عملاً ۹ بار افزایش یافته است.

تقریباً ۴۴۰۰ موسسه بیاری کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی در کشورهای رها بی یافته در دست ساختمان است که در حال حاضر بیش از ۳۰۰۰ آن مورد بهره برداری قرار گرفته است.

آهک های بیشتر قنده روابط روز افزون بازرگانی خارجی بنا بر تعمیق و توسعه همیاری بین کشورهای است. حجم مبادلات کشورهای جامعه، سوسیالیستی و کشورهای جوان بین ۱۹۵۰ و ۱۹۷۸ بیش از ۳۰ بار افزایش یافته است. ماشین ها و وسایلی از لوازم و تجهیزات مهمترین رکن صادرات کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به کشورهای در راه رشد است.

هدف: تقویت صنعتی شدن

کمک های کشورهای سوسیالیستی بطور اساسی در زمینه صنعت مورد استفاده قرار میگیرد. به کمک اتحاد شوروی و سایر کشورهای سوسیالیستی کارخانه های متعدد فلرگداری با ظرفیت تولید بیش از ۳۰ میلیون تن فولاد در سال در حال ساختمان است. یاهم اکنون از آن بهره برداری می شود. در این میان میتوان از مجتمع بزرگ فولاد هند، الجزایر، عراق، ترکیه، پاکستان و نیجریه نام برد.

کشورهای سوسیالیستی به رشد تولید انرژی کمک می کنند. تاکنون تعداد زیادی کارخانه برق به کمک کشورهای سوسیالیستی ساخته شده و تعدادی نیز در حال ساختمان است که ظرفیت تولید آنها از ۱۶ میلیون کیلووات تجاوز می کند. این کارخانه ها در ژانسن، ایران، برزیل و هند، عراق و افغانستان، بنگلادش و سوریه، اتیوپی و پرو ساخته می شود. لوازم و وسایل تولید انرژی که در کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ساخته می شود، شهرت دارد.

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به ساختمان ۳۰۰ موسسه ماشین سازی و فلرگاری، ۲۳۰ کارخانه شیمی و پتروشیمی ۱۱۳۰ موسسه صنایع سبک و غذایی و کشاورزی در کشورهای در راه رشد اشتغال دارند. تا سیما صنعتی و برق سه چهارم اعتبارات تقویمی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به کشورهای در راه رشد را جذب می کند.

بر اساس ارقام زیر میتوان درباره اهمیت این کمک ها داری کرد. مطابق هند برای موسساتی که به یاری اتحاد شوروی در این کشور ساخته شده اهمیت فراوانی قائلند. این موسسات تا ۳۵٪ فولاد، ۸۰٪ لوازم چینی تولید می کنند. آنها بیش از شیمی از استخراج نفت و ثلث پالایش آن را در بر می گیرند.

کمک اقتصادی، علمی و فنی به کشورهای رها بی یافته به این کشورها امکان داده است که خود مستقلانه از ثروت های طبیعی شان بهره برداری کنند. به اعتبار این کمک ها ۳۸ کشور در راه رشد مشغول اکتشاف نفت، گاز و مواد معدنی مختلف دیگر هستند.

کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به اعتدای کشتا و ریزی در اتیوپی، آنگولا، افغانستان، برمه، عراق، مالی، الجزایر، جمهوری دموکراتیک یمن، سوریه، ترکیه، تونس و بسیاری از کشورهای دیگر کمک می کنند. جمهوری کوبا به جمهوری خلق کنگو در زمینه رشد تولید نیکرباری می رساند. کمک علمی و فنی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی به کشورهای در راه رشد امکان داده است که این کشورها در ساختن توربین بخار، دستگاه حفاری، کشاورزی های با یازده زیاده ماشین های کشاورزی، توفیق با سند و تولیدی رجه، فولاد ریزی و سایر کارهای فنی سلوب های نویسی به کار گیرند.

شکل ها و اسلوب های همکاری

سال های اخیر تاره های فراوانی در براتیک همیاری بین کشورهای در راه رشد است. شرکت کشورهای متعدد عضو شورای همیاری اقتصادی در ساختمان تا سیما بزرگ صنعتی کشورهای آسیا، آفریقا و آمریکا لاتین نتایج قاطع و موثری داشته است. تقسیم کاری بین المللی سوسیالیستی رکن اساسی این دستاورد ها است. تجهیزات ماشین ها و لوازم فنی موسسات در حال ساختمان هند، سوریه

سحریه و سایر کشورهای مشترکاً توسط چندین کشور عضو شورای همیاری اقتصادی ساخته و ارسال می شود.

ساختمان موسساتی که خود جوا بگویی هزینه های بسیار باشد. جای ممتازی در اشکال همیاری نویسی کسب می کند. در این وضعیت بخشی از تولید موسساتی که به یاری کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی ساخته می شود، برای رفع نیازهای داخلی کشورهای در راه رشد یا صادرات و بخشی هم برای بار برداخت اعتبارات در یافتن اختصاص می یابد. مثلاً ما رستان از کارخانه لوله سازی هند که به یاری ساخته می شود، لوله دریافت خواهند نمود. هم اکنون اتحاد شوروی بخشی از آلومینیوم کارخانه ای که در ترکیه احداث کرده دریافت می دارد.

کمک به حل مساله تربیت کار درها جای بسیار مهمی در همگاری کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی و کشورهای در راه رشد دارد. نتیجه این همکاری زاین قرار است: بیش از ۴۰۰۰۰۰ کارگر کشورهای در راه رشد به موهبت این همکاری دوره تخصصی را تمام کرده اند. هم اکنون ۱۳۰۰۰۰ دانشجوی از این کشورها در دانشگاه های کشورهای جامعه، سوسیالیستی تحصیل می کنند. علاوه بر این ۲۲۵۰ دانشجوی بورس مخصوص کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی تحصیل اند. در ده سال اخیر بیش از ۴۰۰۰۰ دانشجوی دوره تخصصی آموزش عالی را در کشورهای سوسیالیستی به اتمام رسانده اند. کشورهای سوسیالیستی مدارس عالی و تخصصی متعددی در کشورهای در راه رشد تاسیس کرده اند. تنها در الجزایر بیش از ۵۰ موسسه آموزشی در سطوح مختلف برای ۲۰۰۰۰۰ محصل و دانشجوی ساخته شده است.

سیاست ترانسپورت سوسیالیستی کشورهای عضو شورای همیاری اقتصادی مورد تکریم و احترام افکار عمومی خلق های کشورهای در راه رشد است. این سیاست فاضل آزادی و پیشرفت اجتماعی در سراسر جهان است.

است. علاوه بر این، سوداگران آلمان غربی برای کارگاه های کشتی سازی در بران آفریقای جنوبی اسناد فنی برای ساختمان ناوهای از در افکن تهیه کرده اند.

همیاری نهان و آشکار دولتهای غربی با جمهوری آفریقای جنوبی در قلمرو نظامی نقش خشن تصمیمات سال ۱۹۷۷ سازمان ملل متحد در منع تهیه اسلحه برای نژاد پستان است. شورای امنیت سازمان ملل متحد نیز تصمیم درباره منع تحویل اسلحه به میلیتاریست های آفریقای جنوبی را تا بید و تصویب نمود. با وجود این، هیچیک از این تصمیمات در راه راده استراتژی های اتلاننتیکی که سعی دارند دشمن خونخوار خلق های آفریقا را در استراتژی جهانی غرب سرمایه داری نگا هدارند، تا ثیر نکرد.

ماشین نظامی جمهوری آفریقای جنوبی که با مشارکت مستقیم کشورهای عضو پیمان اتلاننتیک شمالی و در جای نخست آمریکا بوجود آمده، مدت ها است خناسراج از ظرفیت "نیازهای دفاعی" دولت آفریقای جنوبی است. موشک ها، خمپاره ها، ناپالم و سایر لوازم جنگی که کشورهای عضو پیمان اتلاننتیک شمالی در اختیار جمهوری آفریقای جنوبی گذا رده اند، وسیعاً از جانب نژاد پستان در تاجا وزبه خلق های آنگولا، زامبیا، بوتسوانا و سایر کشورهای مستقل مورد استفاده قرار می گیرند.

"مشت آهنین" در آفریقای جنوبی خطری جدی برای صلح و امنیت در قاره آفریقا است. خلق های قاره، سیاه می طلبند که به تلاش خرابکارانه نژاد پستان و مداخله ایالات متحده، آمریکا و پیمان اتلاننتیک شمالی در مورد خلق های ناپایان داده شود.

در حال حاضر سرپرستی ۵۴۰ کودک را به عهده دارده که پدر و مادر خود را از دست داده اند. کودکانی که در این یتیم خانه به بازی و زندگی راحت مشغولند هنوز از عمق قاجعه از دست دادن پدران و مادران شان خبر ندارند.

آفریقای جنوبی

سی. بی. اس. کمیانی تلویزیون آمریکا مدارک انکارناپذیری درباره شرکت سیا و پنتاگون در تحویل غیرقانونی اسلحه به نژاد پستان آفریقای جنوبی تهیه نمود. این بار سیا، پنتاگون و موسسات کمیلکس نظامی - صنعتی ایالات متحده، آمریکا از کارنا دوا سربیل به عنوان تهیه کنندگان یتیم خیماره - اندازهای ۱۵۵ میلیمتری برای جمهوری آفریقای جنوبی استفاده می کنند.

سیا، پنتاگون و فرمانده نظامی پیمان اتلاننتیک شمالی با توسل به راه های مختلف به جمهوری نژاد پستان آفریقای جنوبی کمک می کنند و بر قدرت نظامی شان می افزایند. مجله آمریکا "نیشن" تا بید می کند که ۴۰٪ هواپیما های نیروی هوایی جمهوری آفریقای جنوبی جزنا یا کلا در آمریکا ساخته می شود. بقیه را انگلستان و فرانسه تحویل می دهند. امروز ما شرکت های کشورهای عضو پیمان اتلاننتیک شمالی روی ناوهای جنگی، وسایل حمل و نقل و ارتباطی نژاد پستان دیده می شود. انگلستان تا نگ های "سنتوربون" و جمهوری فدرال آلمان کشتی های دفاع ساحلی و ناوهای از در افکن مجهز به موشک به جمهوری آفریقای جنوبی تحویل داده

بقیه: خلق کامبوج در راه...



ابزار شکنجه زندان ثنول سلنگ

حوانان کامبوج را به حرکت آرمکشان و دیوانگان بی روح بکشاند. با وجود جنب و جوش شادمانه کودکان در حیطه مدرسه و تلاش خستگی ناپذیر آموزشگران در کلاس های درس که دستاورد رژیم خلقی کنونی کامبوج است، لحظه ای مصیبت سالهای خونبار گذشته از یاد انسان بیرون نمی رود. آموزشگران و دانش

مصر سادات خائن

اره (ژوئیه ۱۹۹۱) آما زنده بود، گفت که تا آمریکا بی‌ها چیزهای زیبا دیدم مورد عملیات در محیط خاور میانه فرا گرفتیم و آموختیم که چگونه در بیابان علی‌رغم شن و گرمای عملیات را انجام دهیم. این عملیات برای خلبانان مصری که اقامت خود استفاده می‌کنند نیز مفید بود.

چنانکه می‌دانیم مصر سال گذشته ۳۵ فانتوم از آمریکا دریافت داشته و قرار است ۴۰ حجت جنگنده اف-۱۶ دیگر در سال آینده از آمریکا دریافت کند.

سادات که حریمات به مردم محروم و زحمتکش مصر و همه حلقهای منطقه و طبعه - ای برای خود نمی‌شناسد، نه تنها به اربابان آمریکایی بلکه به همسایران اروپایی او نیز خدمت می‌کند. به نوشته "الاحرام" مصر آماده است همان تلیحاتی را که برای حفظ منافع غرب در خلیج فارس و استقرار ثبات در منطقه به آمریکا پیشنهاد کرده است به اروپای غربی هم بدهد.

همین روزنامه می‌نویسد: "سادات طی ملاقات با "دیوید استیل" رهبر حزب لیبرال انگلیس چنین اطمینان نداد که وی داده است".

سادات خائن که با این بندوبست - ها تمام هم و غم خود را صرف سرکوب جنبش - های انقلابی مصر و منطقه کرده و دیوانه - وار به انقلاب خلقی اسلامی ایران و رهبری آن می‌تازد، مصر را به افلاکی و ورشوکی کامل گشاده است.

وابستگی مصر به اقتصاد امپریالیسم جهانی به جایی رسیده است که به گزارش وزارت کشتا و رزی ایالات متحده: "حدود یک سوم کمکهای غذایی آمریکا در سال جدید بودجه که از ۵۹/۷/۸۰ آغاز گردیده به مصر اختصاص می‌یابد".

به گفته "دیل هاناوی" معاون وزارت کشتا و رزی آمریکا کمک غذایی این کشور جمعا ۸۴۸/۴ میلیون دلار است که ۲۸۸/۵ میلیون دلار (۳۴٪) آن را مصر دریافت می‌دارد.

این وابستگی و درماندگی اقتصادی - اجتماعی محصول خیانت سادات و اطرافیان او در دستگاره رهبری به آرمیان خلقی جمال عبدالناصر است.

سادات برای کوبیدن راه سازش با امپریالیسم آمریکا و اسرائیل و وابسته کردن مصر به اقتصاد جهانی سرمایه داری امپریالیستی و بازگذاشتن دست‌انحمارت چند ملیتی در غارت بلامنازع مصر است. همه دستاوردهای انقلابی دوران ناصر را یکی پس از دیگری پایمال نمود.

سادات به نمایندگی کلان زمینداران و سرمایه داران بخش دولتی اقتصاد را به نفع سرمایه داران خصوصی تضعیف نمود. نهادهای خلقی اقتصاد غیر سرمایه داری را به سود استعمارگران از هم پاشید. دست سوداگران داخلی و خارجی را در غارت مردم و زحمتکشان مصری بازگذاشت. این دگر دیسی و استحاله کامل جامعه مصر به سودتاراجگران پیشین، مصر را از ستاد رهبری جنبش‌های انقلابی منطقه به مرکز بندوبست و دشمن شماره یک خلقها بدل نمود.

سد آسوان و ذوب آهن حلوان و دهها موسسه مهم دیگر که به یاری اتحاد جماهیر شوروی و سوسیالیستی دوست واقعی زحمتکش مصر احداث شد و به حق می‌توانست بنیان اقتصاد دلبالنده ملی مصر آزاد و مستقل باشد، با تحکیم سیادت اقتصادی - اجتماعی کلان سرمایه داران به ابزار استثمار زحمتکشان بدل شده است. سادات با خیانت به دوستی عمیق و بی‌غرنازه سوسیالیسم

جهانی و در راستای اتحاد جماهیر شوروی با مردم قهرمان مصر، استقلال واقعی این کشور را به نفع امپریالیسم جهانی نابود ساخت.

اکنون رژیم وابسته به امپریالیسم سادات خائن یکی از مراکز عمده توطئه‌های امپریالیستی سر ضد خلقهای آفریقا، خاور نزدیک و منطقه خلیج فارس است.

دیدار ژنرال "دیوید جونز" رئیس ستاد مشترک آمریکا از مصر ۱۲ روز پس از تحا و رزم دوران یعنی عراق به ایران (۵۹/۷/۱۲) و ملاقات با "حسنی مبارک" معاون سادات در مورد افزایش همکاریهای نظامی مصر و آمریکا ابعاد جدید بر نامه - ریزی‌های امپریالیستی سر ضد خلقهای منطقه و محمله علیه ایران است. پس از این ملاقات اعلام شد که "جونز" ۱۴۰۰ نفر از نیروی آمریکا را برای انجام ماموریتی که احتمالاً در اواخر سال امروزمی‌گیرد به مصر اعزام می‌دارد.

اومانسته ارگان حزب کمونیست فرانسه در اس‌ا‌ره نوشت: "پشتاگون به میا نچیکری رئیس ستاد مشترک ارتش آمریکا (ژنرال جونز) تدارکاتسی را در منطقه خاور میانه برای تقویت نیروهای نظامی آمریکا پیش بینی کرده است".

"جونز" پس از دوره گردی عبود در منطقه خلیج فارس و خاور نزدیک و بازدید از حکومت‌های وابسته و دست نشانده عربستان سعودی، عمان و مصر و اسرائیل (در سه محت مهرماه) از زیباییات مانور - های کماندوهای آمریکایی در منطقه و همچنین از یابگاه‌هایی که سادات در اختیار روانگتن می‌گذارد سخن گفته است.

در پی دیدار "جونز" از مصر مقامات نظامی این کشور رهسپار انگلستان و آمریکا شدند.

ژنرال محمد عبدالعلیم ابو غزاله رئیس ستاد کل ارتش مصر در ۵۹/۷/۱۹ به انگلستان رفت تا پیرامون تحکیم همکاری نظامی بین دو کشور گفتگو کند. در ۵۹/۷/۲۱ فرمانده نیروی هوایی مصر به دعوت رئیس ستاد نیروی هوایی ایالات متحده به آمریکا رفت. او با اقامت دو هفته‌ای خود در آمریکا درباره توسعه همکاری‌های نظامی مصر و آمریکا مذاکره خواهد کرد.

کمال حسعلی رئیس جمهور مصر که برای تکمیل بندوبست‌های کمپ دیوید و توطئه‌گری‌های امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم جهانی علیه انقلاب فلسطین و انقلاب ایران به پایوس ارباب رفته، قرار است علاوه بر کارش در رئیس جمهور آمریکا با هارولد براون وزیر دفاع و ادوین ماسکی وزیر خارجه آمریکا مذاکره کند.

سادات خائن که مانند همتای خود صدام می‌اندیشد که جنگ برق‌آسا جمهوری یونینیا دما را از پا در آورده و خواب راحت را به این خائنین بازمی‌گرداند، اکنون از نا کام ماندن نقشه‌های امپریالیسم در سرنگونی رژیم انقلابی ایران بی‌تابانه از ارباب می‌خواهد که به منظور برقراری "آرامش" در منطقه با استفاده از یابگاه‌های مصر وارد عمل شود!

سادات که می‌داند تنها انبار کردن جنگ افزارهای آمریکایی و آغوش گشودن به روی نیروهای جهنمی نظامی آمریکا و پیمان نا تودرمان کننده در دخیانتگانه وی نیستند، به آثار ره ارباب ماموریت یافته است از "اسلام آمریکا بی‌جان" پناهی برای خدمت به سیاست‌های تجا و زگرانه امپریالیسم و صهیونیسم بسازد.

الاهرام در این باره می‌نویسد: مصر برنامه خود را جهت تشکیل یک اتحادیه از "ملل" مسلمان و عرب برای ۴۳ کشور

مسلمان توصیف داده و هدف را اتحاد یکبارچگی بین اعراب و مسلمانان بر "پا به" سالم توصیف نمود. اتحادیه "اسلامی" سادات ما مورث دارد یک برنامه مشترک در زمینه‌های دفاعی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی برای کشورهای عربی مرحله اخرا در آورده.

رهبر بخش "اتحاد اسلامی" سادات می‌خواهد رژیم‌های وابسته و عرویکهای رنگارنگ امپریالیسم چون ضیاء الحق، ملک خالد، ملک حسن، ملک حسین، قابوس صدام و حاکمان جزا بر خلیج فارس را در یک پیمان جدید نظامی به رهبری امپریالیسم آمریکا گرد آورده.

سادات و اربابان آمریکایی و اروپایی غربی و "اسلام آمریکا بی‌جان" می‌توانند توده‌های مردم را بفرسند. حساب رژیم‌های وابسته روشن است. آنها اعمار اس که در یک اتحادیه مانند سادات، جهان و آشکاره منافع امپریالیسم خدمت می‌کند. حساب اعلام توده‌های زحمتکش از "اسلام" احما رگران، اشراف و سرمایه داری وابسته جدا است. آفانان دیره فکر امساده اند. کاروان دیربست به راه افتاده و دیگر هرگز با معصوم رفت و روت همه عرویکهای امپریالیسم در منطقه - بار نخواهد اسناد.

ساوردار در صیاء الحق مسلمان!!
و همساران اسرائیلی او بفرسند ■

خلق کامبوج در راه محو آثار رژیم مائوئیست پل پوت

کودکان در کامبوج (کامبوج) دوا ره به مدرسه می‌روند. در دوران تسلط رژیم خوئس و سرکوبگر پل پوت ۹۰٪ آموزش - کاران کشور کشته شدند. از ۷۲ استاد مدارس عالی‌هش، ۲۳۰۰۰ دبیر دبیرستان ۲۰۷۰۰ و از ۲۱۳۱۱۱ آموزگاران دبستان تنها ۲۷۹۴ تن زنده مانده‌اند. بسیاری از آموزگاران در زندان تئول سلنگ به قتل رسیدند. از ۲۴۰۰۰ استاد ۱۹۷۹ در بریتو آموزش و تربیت ۱۰۰۰۰ آموزگار جدید - مدارس کامبوج در اغلب شهرهای این سال تعطیل دوا ره شروع به کار کردند. مجموعا ۱۲۰۰۰ آموزگار در ۱۰۰۰۰ کلاس به آموزش ۷۰۰۰۰۰ نوآموز مشغول شدند. تاکنون تنها دوا ره - ستان با ۲۵۰۰ دانش آموز در پل پوت - تخت کشور دا بر شده است.

از میان خانه‌های چوبی نیمه ویران که مانند سرا سرکا میوچیا به خاطر سرچورداری از هوای بهتر، جلوگیری از نفوذ حشرات موذی، حیوانات وحشی و طغیان آب‌برستون - های چوبی استوار رند و نیز از میان جنگل وحشی که به سرعت رشد کرده، جاده‌ای می‌گذرد که دوسوی آن را اسم خاردا رکشیده‌اند. این جاده به چند ساحتمان به طبقه مدرن منتهی می‌شود که قسمتی از آن پشت توده‌های چوبی دیده نمی‌شود. دبیرستان تئول سوی پل پوت در این جا قرار دارد. از آوریل ۱۹۷۵ هیچ دانش آموزی به این دبیرستان راه نیافت چون رژیم پل پوت آن را به زندان تئول سلنگ تبدیل نمود.

با توجه به حیاتیاتی که در این محل انجام می‌افتد نام زندان برای آن چندان رسا نیست. از ۱۹۷۵ تا ۱۹۷۹ حدود ۲۰۰۰۰ نفر در اتاق‌های این زندان که روزگاری کلاس‌های درس بودند، محبوس شدند و تنها ۴ نفر به تصادف جان سالم به در بردند.

در دوران ساد پل پوت زندگی و مرگ انسان‌ها سی نام و نشان می‌گذشت. تنها در زندان تئول سلنگ نام کشته‌شدگان ثبت می‌شد. در کلاس‌های ساسی درس که محل بازجویی زندانیان بود، همسور نختخواب‌های لخت فلزی باز سحرهای که زندانیان را با آن می‌بشند و لکه‌های خون خشک شده در کف اتاق‌ها به چشم می‌آید. خود از میله تات حباط مدرسه عنوان چوبه دار استفاده می‌شده است.

حاکمان این مدرسه مرگ آمرس خود روزگاری در آن به ندرت استعمال داشتند. آخر پل پوت معلم ساسی حراما در اس‌هه اس حاسنگاران فرار داشت. کنگ کوچ معلم‌ریا ن فراسه رش این زندان بود. در اس حاسنگا و رود و "خروج" امرا دتست می‌شد. اربابان هنگام ورود و پس از مرگ تان عکس گرفته می‌شد. اربابان رو حاسان آدمکش هنگام فرار اس‌هه خود در ۷ ژانویه ۱۹۷۹ مدارک ریادی اربابان خود را گذاشته‌اند. اس مدارک عمارتدار حاد سر بریده روی تخت‌های فلزی، گورستان عکس‌ها را در حال حاضر به دیوارها آویخته‌اند. در اس عکس‌ها مناظر یکسان دیده و رفته‌آه و رگوسا کوسیده می‌شود: جیره‌هایی که با وخت مرگانه دورس حیره‌تده‌اند. افرادی که در ارتشکهار با درآمده‌اند و در میان آنها جوان، بیره، مردوزن، ما درسی که کودکان خردسالان را در آغوش می‌فشارند و احسا در سر برده‌های که هر یک با شمارهای روی سینه کنار هم ردیف چیده‌اند...

در فهرست نام کشته‌شدگان تئول سلنگ اطلاعات دقیقی در مورد کشته‌شدگان به چشم می‌خورد. اس‌هه نام کارمندان (۶۰ نفر) و نظامیان (۲۰۶ نفر) رژیم لئون تئول که در سال ۱۹۷۵ سرکوب شد و پس نام دانشجو ساسی که سال ۱۹۷۵ در خاراجار کشور به تحصیل اشتغال داشتند و به دعوت رژیم پل پوت برای شرکت در سار زندگی کشور به سس سارگند و سراسر کامبوج که از طریق یک مستعینا به آغوش مرگ پروا زگر دتست شده است که تعداد آنها بالغ بر ۱۴۸ نفر است. نام ۸۷ ساسی ملیت‌های مختلف در اس فهرست دیده می‌شود. شغل کشته‌شدگان سردر فهرست مذکور منحص شده است: مهندس ۶۲ نفر، پزشک ۵۹ نفر، کارگر ۳۲۴ نفر، تعداد زیادی از آنها کارگران راه آهن است. دانشجو داتس آموزش ۱۹۴ نفر و آموزگار ۱۱۳ نفر. اولاد کشته‌سای که خواندن و نوشتن می‌دانستند و سزه آموزگاران از نظر پل پوت مشکوک بودند.

آموزگاران از نظر پل پوت مشکوک بودند. در چند کیلومتری زندان تئول سلنگ در خیابان "نورودم" که نام فعلی آن تئول سا مشوت است (نام دسرا ول حزب کمونیست کامبوج که در زمان پل پوت به قتل رسید) مدرسه‌ای وجود دارد که در دوران حکومت وحشت و احتیاج به شکجه‌گاه و میدان اعدام زندانیان و محل نگه‌داری کارگوسفند بدل شده بود. از اول ژوئیه ۱۹۷۹ این محل دوا ره به کلاس درس تبدیل شده است.

هم اکنون در حباط این مدرسه بچه‌ها مانند هر جای دیگر در ساسه‌باری مشغول - اند. کودکان کامبوجی پس از چهار سال خانه نشینی و محرومیت از تحصیل با شور و شوق و دقت فراوان به سخنان معلمین گوش فرا می‌دهند. در کشوری که کتا بهای درسی بکلی نابود شدند تلاش فراوانی برای چاپ کتا بها به عمل می‌آید. اگر رژیم خونبار پل پوت چند سالی دوام می‌یافت، سرنوشت شوم و دردناکی نصیب خلق ستمدیده کامبوج می‌شد. این رژیم تصمیم داشت با نابودی دانش و برقراری جهل مطلق صفحه ۴

بقیه: جنگ و انقلاب

در پیروزی ما به جانی گذارد نفس رژیم عراق از چند جهت کوتاه است. عراق نمی تواند تلاش بزرگ جنگ را از حیث نفقات و مساز و بزرگ و آموزش جنگی و روحیه پایداری تا مدتی ادا دهد. جمعیت عراق در حدود یک سوم جمعیت ایران است و به همان نسبت امکان بسیج نیرو و کفتر دارد. پایگاه اجتماعی رژیم هم در میان توده های عراقی سخت محدود است و هر روز محدود تر می گردد. بیش از نیمی از اهالی شیعه اند و اکثر پیرومراجم تقلبند. هستند که در ایران به سر می برند و از انقلاب اسلامی ایران حمایت می نمایند. از آن گذشته عراق با اقلیت مهم کردکس سالهاست برای دموکراسی و حق تعیین سرنوشت خود می رزمند. سروکار دارد. جنبش های مترقی، بویژه حزب کمونیست عراق نیز آشکارا با رژیم صدام در مبارزه اند. این همه عراق را سخت آسیب پذیر می سازد. پیام تاریخی حضرت امام خمینی هم که پنجشنبه گذشته خطاب به ارتش و دانشجویان و قاطبه مردم عراق صادر شد بی شک در تضعیف و ترنزل موقع رژیم صدام سخت موثر خواهد افتاد. از سوی دیگر، گذشته از تلفات نیروی زمینی از حیث سربا زونانک و وسایل نیروی و انواع سلاحهای سنگ و سنگین ضریبانی که بر نیروی هوایی و نیروی دریایی عراق و بر تاسیسات نفتی آن وارد شده است به آسانی و در فاصله ای کوتاه، حتی با کمک رژیم های ارتجاعی عرب، جبران پذیر نیست. عراق که محکوم به شکست است. هجوم مجدد نیروهای صدام به خرمشهر و آبادان در پایان هفته گذشته به احتمال بسیار آخرین تلاش رژیم عراق برای به دست آوردن سرپلی در ایران

شود

اعلام همبستگی کارگران برق

امپریالیسم زخم خورده جهانی و در اس آن شیطان بزرگ آمریکا که دروا بسین لحظات حیات تنگین خود با تلاش های مذبحانه و خیالی خام سعی در به انزوا کشاندن و در نهایت نابودی نظام جمهوری اسلامی ایران را دارد. دیگر با استمداد طلبیدن از جیره خواران و زنجیربانی چون صدام، جمهوری اسلامی نوپای ما را مورد تاخت و تاز و هجوم های وحشیانه خود قرار داد.

کشتار مردم قهرمان و سکنه بی دفاع میهن ما بخصوص قتل عام مردم انقلابی و دلیران فول و شهرهای خوزستان و غرب کشور، هجوم هوایی به بیمارستانهای کشور، حمله بمبارک. تجمع کارگران و مردم زحمتکش بخصوص حمله به کارخانهای ناسیونال که منجر به شهادت چندین نفر از برادران کارگر ما گردید. یکبار دیگر ما هیت تاجران و نه و پلید امپریالیسم و مزدوران و رژیم مزدور و فاشیستی عراق را به نمایش گذارد. شورای کارکنان برق تهران - قسمت نارمک مراتب انزجار و تنفر عمیق خود را از این اعمال جنایتکارانه رژیم حاکم عراق ابراز داشته اما دگی خود را برای درهم شکستن این توطئه های خائنانه اعلام می دارد. ۹/۷/۲۱

شورای کارکنان برق تهران - قسمت نارمک
اتحاد مردم
ساجد امتیاز: محمود اعماد زاده (م. ا. م. به آذین)
سر دبیر: محمد تقی پروموند
آدرس: خیابان سزاوار شماره ۱۸۹

بقیه: راه رشد

ناگزیری است؟ ما به آن جواب منفی داده ایم. اگر پرولتاریا انقلابی پیروزمند در بین آنها به تبلیغات منظم پرداختد، اگر حکومت های شوروی با تمام وسایل خود به آنها کمک کنند، حق ندارد ریم با و رکنیم که مرحله رشد سرمایه داری برای خلقهای عقب مانده ناگزیر است...

اودر همان گزارش تا کید می کند: "کشورهای عقب مانده به کمک پرولتاریای کشورهای پیشرفته می توانند به نظام شوروی نایل آیند و با گذار به مرحله معین رشد و پرهیز از مرحله سرمایه داری به کمونیسم نایل آیند". (آثار، جلد ۳۱، صفحات ۲۵۱-۲۵۲)

پیدایش نخستین دولت کارگری و دهقانی، و سپس سیستم جهانی سوسیالیستی شرایط اساسی را فراهم آورده که بدون آن گزینش سوسیالیستی خواب و خیالی بیش نیست. ابتدا، رشد غیر سرمایه داری در جمهوری های مشرق شوروی و چندین عدد به یاری چند جانبه اتحاد شوروی در مغولستان به واقعیت گرایید.

امروز کشورهای آفریقای آسیایی با گزینش سوسیالیستی بیش از ۱۰۰ میلیون جمعیت را در بر می گیرند. الجزایر، برمه، گینه، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، کنگو، سوریه و تانزانیا مدت ها است که به اصلاحات گسترده در این راه مبادرت کرده اند. تیوپی، آنگولا، موزامبیک، بنین، ماداگاسکار و چند کشور دیگر در همین اواخر به این راه گام نهاده اند.

این نوع رشد ترقی خواهانه نیروی جا ذبه عظیمی دارد. همواره کشورهای بیشتری به انتخاب سوسیالیسم روی می آورند. افغانستان به تازگی به این راه پیوسته است.

از سوی دیگر، رشد غیر سرمایه داری در سالهای اخیر در غنا، مورمالی قطع شده و سومالی از راه پیشرفت منحرف شده است.

روایا نوسکی که از زندگان مسائل جنبش رهایی بخش ملی تانزانیا است، خطوط اساسی این پدیده چند بُعدی را به شرح زیر تلخیص نموده است:

— خلعت اجتماعی قدرت سیاسی تغییر می کند، زیرا بورژوازی ملی (عناصر بورژوازی ملی و قعودالی) خود را ناچار به در پیش گرفتن راه انحصاری می بیند. قدرت در دست نیروهای ترقی خواه که به نفع توده های وسیع خلق عمل می کنند، قرار می گیرد. یک دولت دموکراتیک نوین انقلابی و دستگانه آن استقرار می یابد.

— سلطه سیاسی امپریالیسم و انحصار محومی شود و سلطه اقتصادی شان متزلزل می گردد.

— بخش های عمومی و تعاونی و شرایط رشد مقدم شان به وجود می آیند.

— تنظیم عمومی و در مرحله معینی محدود شدن بخش خصوصی سرمایه داری ز راه ملی شدن دارایی های کمپانی های خارجی یا کنترل آنها توسط دولت عملی می شود.

— همکاری چند جانبه با کشورهای سوسیالیستی برقرار می شود و توسعه می یابد.

— اصلاحات عمیق اجتماعی به نفع توده های وسیع خلق عملی می گردد (مانند اصلاحات ارضی، لغو امتیازات اجتماعی، سوادآموزی، رهایی زن، قوانین حرفه ای و اجتماعی ترقی خواهانه و غیره).

— آیدئولوژی امپریالیسم، نوسولتسم و ناسیونال - رفرمیسم نفی می شود. آیدئولوژی دموکراتیک انقلابی که از لحاظ تاریخی با روند جهانی بخش، تجروری و تجربه سوسیالیسم علمی پیوند دارد، مورد تأیید و پشتیبانی قرار

می گیرد.

بنا بر این، آنچه در باره مضمون گزینش سوسیالیستی می توان گفت عبارت از تحقق دگرگونی های صدامیربالیستی، قعودالی و مخصوصا سرمایه داری در سیاست داخلی و خارجی است. هدف این دگرگونی ها ایجاد شرایط سیاسی، اجتماعی - اقتصادی و فنی - علمی برای گذار تدریجی به سوسیالیسم است. انجام این هدفها در مرحله ما قبل سوسیالیستی یا وجود یک حزب دموکراتیک انقلابی پیشاهنگ بر اساس اصول سوسیالیسم علمی امکان پذیر است.

ناظران عینی منجمله در غرب نمی توانند پیشرفت های برخی کشورهای لاری گزینش سوسیالیستی را در قلمروهای مختلف زندگی سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ندیده بگیرند. رشد صنعتی در این کشورها در بخش عمومی متمرکز می گردد، چنانکه در برمه در اواسط دهه ۷۰ بخش عمومی ۸۰٪ صنعت استخراج و ۶۰٪ صنعت تبدیل مواد و در الجزایر ۸۵٪ تولید صنعتی را در بر می گیرد. استخراج، تصفیه و حمل نفت و گاز در این کشور ملی شده است. در تانزانیا، دولت همه بانکها و شرکت های بیمه، تقریباً ۷۰٪ صنعت استخراج و ۴۰٪ صنعت تبدیل مواد و نیز ۵۵٪ وسایل حمل و نقل را کنترل می کند.

از هم اکنون، این کفش ها ثمرات خود را به بار آورده اند. مثلاً در کنگو، یک سلسله اقدامات به منظور اعتلای سطح زندگی زحمتکشان به عمل آمده و قیمت های ثابتی برای کالاها ی مورد مصرف جاری، در جای نخست محصولات غذایی برقرار شده است. مردکان رگران و کارکنان تانزانیا طی ده سال بطور محسوس افزایش یافته است. سطح زندگی در سایر کشورهای دارا گزینش سوسیالیستی نیز روبه افزایش است. پیشرفت این کشورها مخصوصا در قلمرو آموزش نمایان است. اعتبارات دولتی در آموزش ۲۰ تا ۲۵٪ بودجه را تشکیل می دهند. بیسوادی در شرف ریشه کن شدن است.

باید به این واقعیت توجه داشت که نتایج اصلاحات اجتماعی و اقتصادی هنوز به آن اندازه نیست که فعالیت براندازی ارتجاع داخلی و خارجی و تبلیغات بورژوازی موثر نباشد.

امپریالیسم دیوانه وار دست به حمله متقابل و تلافی جویانه زده است و می کوشد با همه وسایلی که در اختیار دارد، از محاصره و خرابکاری اقتصادی تا تجاوز نظامی علیه دولت های ترقی خواه، رشد غیر سرمایه داری این کشورها را متوقف سازد. تیوپی و آنگولا و غیره از این مواردند. امپریالیسم از انتشار اندیشه های سوسیالیسم علمی در کشورهای در راه رشد جلوگیری به عمل می آورد و برای ناسزاگویی به این دکترین پول زیادی خرج می کند. خرابکاری بدشو - لوژیک جزء برنامه، دراز مدت امپریالیسم است. برانگیختن گرایش های ناسیونالیستی و اشاعه تفسیرهای بورژوازی و رفرمیستی در باره مارکسیسم - لنینیسم در زمره این نوع فعالیت ها است.

ایدئولوژیهای بورژوا در بدگویی به تئوری و پراتیک راه رشد غیر سرمایه داری به گونه های مختلف عمل می کنند. آنها مدعیانند که مفهوم راه غیر سرمایه داری را در بهترین مارکسیسم - لنینیسم در تضاد است آنها روندهای سیاسی و ایدئولوژیک کشور های در راه رشد، دگرگونی های اجتماعی - اقتصادی و سیاست داخلی و خارجی کشورهای دارای سمت گیری سوسیالیستی را تحریف می کنند.

غرب در مبارزه با راه رشد غیر سرمایه داری کارزار تبلیغاتی وسیعی به راه انداخته است. این تبلیغات در زمینه ایدئولوژیک به اشاعه گرایش های ناسیو

نالیستی در میان ملت های رهایی یافته پرداخته، دموکرات های انقلابی را بعنوان رهبر این راه رشد مورد حملات کین تروانه قرار می دهد. آیدئولوژی بورژوازی مدعی است که دموکرات های انقلابی با نزدیک شدن به دنیای سوسیالیست استقلال خود را از دست داده و ناگزیر "در مدار مسکوت" و کمونیسم جهانی قرار می گیرند. در عین حال آنتی کمونیسم این تبلیغات به ستایش از مفاهیم خرده بورژوازی "نمونه ملی" و آیدئولوژی ناسیونالیسم ملی می پردازد.

سوسیال دموکراسی راست نیز در سالهای اخیر به این کارزار تبلیغاتی پیوسته، شعار "سوسیالیسم دموکراتیک" یا "راه سوم" خود را پیشنها می کند که منظور از آن مبارزه با اندیشه های سوسیالیسم علمی در کشورهای جوان است. آیدئولوژی های بورژوا تلاش می ورزند تا تئوری های اندیشه ها را در دموکرات های انقلابی خنثی کنند. آنها با عنوان کردن مفاهیم خرده بورژوازی خود امیدوارند، کمونیست ها و دموکرات های انقلابی را از هم جدا سازند و این را در آغوش رفرمیست های بورژوا بیفکنند و بدین سان کشورهای در راه رشد را در مدار سرمایه داری نگاهدارند. تبلیغات بورژوازی حملات خود را بر ضد سیستم سیاسی و دولتی کشورهای دارای گزینش سوسیالیستی شدت داده، استقرار حکومت مطلقه، لگد مال کردن حقوق و آزادی های شهروندان را به آنها توصیه می کنند. این کارزار تبلیغاتی مخصوصا متوجه کشورهای است که در آن نیروهای انقلابی و ضد انقلاب روی هم قرار گرفته اند. با این همه، زحمتکشان این کشورها از حکومت انقلابی پشتیبانی کرده و در اصلاحات و دفاع از انقلاب فعالانه شرکت می کنند.

علی رغم کوشش های امپریالیسم، سوسیالیسم علمی در کشورهای در راه رشد مورد تأیید قرار می گیرد، جنبش های دموکراتیک انقلابی در این کشورها مضمون آیدئولوژیک بیش از پیش شخصی کسب می کنند. در اسناد بر نامه احزاب دموکراتیک انقلابی اندیشه های سوسیالیسم علمی رفته رفته دیدگاه های خرده بورژوازی، ناسیونالیستی و خیالپرستانه را واپس می راند. مارکسیسم - لنینیسم در کشورهای بورژوازی، موزامبیک، کنگو، بنین، جمهوری دموکراتیک خلق یمن، تیوپی و غیره پایه آیدئولوژیک حزب اعلام شده است. دموکرات های انقلابی به تئوری و پراتیک سوسیالیسم توجه فزاینده ای معطوف می دارند.

دومین هدف تبلیغات بورژوازی، بدگویی به تجربه رشد غیر سرمایه داری در کشورهای جوان است. این تبلیغات دشواری ها و ناکامی های ساختمان جامعه نوین را برجسته ساخته و آن را به خلعت غیر سرمایه داری دگرگونی های انجام یافته نسبت می دهد و این اندیشه را رواج می دهد که تنها آزادی فعالیت موسسه (بنا بر این سرمایه داری) و سرمایه گذاری - های خارجی در کشورهای رهایی یافته، رشد سریع اقتصادی را تضمین می کند.

اما، همانطور که قبلا یادآور شد، نیروهای ترقی خواه کشورهای در راه رشد این نسخه ها را نمی پذیرند. آنها نتایج غم انگیز "همکاری" با انحصارات سرمایه - داری را خوب تجربه کرده اند. واقعیت های کشورهای راه سرمایه داری نشان می دهند که امروز سرمایه داری در برابر حل مساله کم رشدی ناتوان است. میلیون ها سکنه کشورهای در راه رشد تا بیفزایند است هیچ آینده روشنی را بشارت نمی دهد. ناکامی تبلیغات امپریالیستی دروا زگونی جلوه دادن سوسیالیسم خلقی رهایی یافته از آنجاست.

